

بدیع در بوته نقد

نقد کتاب بدیع دانشگاه پیام نور نوشته دکتر سیروس شمیسا

کتاب بدیع دکتر سیروس شمیسا، از سلسله انتشارات دانشگاه پیام‌نور، حدود دو دهه است که در مراکز پیام‌نور تدریس می‌شود. کتاب مذکور مراحل درسنامه و آزمایشی خود را پشت سر نهاده و گویا در آینده نزدیک، با تصویب شورای انتشارات دانشگاه، به صورت قطعی منتشر خواهد شد و این در حالی است که هنوز این کتاب خودآموز به محک ذوق و تجربه از خطاها پیراسته نشده است.

نگارنده از سال‌های نخست انتشار این کتاب، هر از گاهی تدریس آن را به عهده داشت. گاهی هنگام تدریس در برخی از موارد با کاستی‌ها و لغزش‌هایی روبه‌رو می‌شد که انتظار می‌رفت در چاپ‌های بعدی در آنها تجدید نظر شود؛ ولی تا کنون که چاپ شانزدهم آن را پیش‌رو داریم، جز تهیه جدولی در مقدمه کتاب به عنوان غلطنامه در نیم صفحه با ذکر سیزده غلط چاپی، کاری جدی برای تصحیح آن صورت نگرفته است.

کلاس به مثابه آزمایشگاهی است که کارایی ابزارهای آموزشی در آن سنجیده می‌شود و ضعف و قوت آنها وقتی آشکار می‌گردد که در گردونه بحث و فحص گروهی قرار گیرند. نکاتی که در این نوشته می‌آید، نتیجه لحظات تدریس و پویایی ذهن‌های وقادی است که در سر کلاس‌های رفع اشکال حضور یافته، گاهی با پرسش‌های خود دقت نگارنده را برمی‌انگیختند.

گفتنی است این نوشته به هیچ وجه از ارزش کار مؤلف محترم نمی‌کاهد؛ چرا که بیشتر موارد فهرست‌شده متوجه مدیریت تدوین منابع درسی، به‌ویژه انتشارات دانشگاه پیام‌نور است. ضمن آرزوی توفیق برای دست‌اندرکاران تدوین کتب درسی، امید است با

پروین تاج‌بخش*



* بدیع.

* دکتر سیروس شمیسا.

* چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۷.

چاره‌اندیشی مسئولان نشر، شاهد بهبود وضعیت چاپ کتب درسی باشیم.

کاستی‌ها و نادرستی‌های کتاب به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

الف. کاستی توضیحات؛

ب. ضبط نادرست برخی از ابیات؛

ج. نکات ویرایشی؛

د. غلط‌های نگارشی.

الف. کاستی توضیحات

نخست بجا بود که مؤلف محترم در آغاز کتاب درباره تاریخچه علم بدیع و سیر تحول آن مقدمه‌ای مختصر می‌آوردند و دانشجو را با واضح علم بدیع و سایر دانشمندانی که این علم را کمال بخشیدند و چارچوب علمی به آن دادند، آشنا می‌کردند.

دوم آنکه این اثر به عنوان یک کتاب دانشگاهی، فهرست منابع ندارد. آشنایی با منابع مختلف در هر واحد درسی، امری ضروری است؛ زیرا علاوه بر آشنایی دانشجو با کتاب‌های مربوط به هر فن، باعث افزایش معلومات و تقویت بنیه علمی او می‌شود و در عین حال، شیوه تحقیق علمی را نیز به وی می‌آموزد.

سوم آنکه شیوه متداول کتاب این است که مؤلف نام سراینده بیت شاهد مثال را ذکر می‌کند؛ اما در چند جا این شیوه رعایت نشده است:

ص ۴۶: دو بیت اول از عثمان مختاری است (ر. ک: دیوان اشعار، ص ۹۱)

ص ۵۲: گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من...، بیت از سعدی است (غزلیات سعدی، ج ۲، ص ۶۴۴).

ص ۶۲: دو بیت اول از عنصری است (به نقل از المعجم، ص ۳۷۱).

دانشگاه پیام‌نور بر آن است تا گذراندن دوره‌های درسی و

بجا بود که مؤلف محترم در آغاز کتاب درباره تاریخچه علم بدیع و سیر تحول آن مقدمه‌ای مختصر می‌آوردند و دانشجو را با واضح علم بدیع و سایر دانشمندانی که این علم را کمال بخشیدند و چارچوب علمی به آن دادند، آشنا می‌کردند

دسترسی به منابع را در مکان‌های مختلف میسر سازد. بنابراین کتاب‌های خودآموز دانشگاه باید دارای توضیح کافی و وافی باشند. اگرچه مؤلف محترم کوشیده‌اند اصل مذکور را پیوسته مراعات کنند، اما در چند جا این مهم فراموش شده است، که برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

ص ۳۸:

مگر مشاطه بستان شدند باد و سحاب

که این ببستش پیرایه وان گشاد نقاب

بیت بالا مثال برای آرایه جمع با تقسیم است. کاش مؤلف محترم مرجع ضمیر این و آن را مشخص می‌کردند و می‌افزودند: پیرایه بستن، به سحاب و نقاب گشادن به باد بر می‌گردد.

ص ۴۵: در مثال براعت استهلال، بعد از ذکر سه بیت از مقدمه داستان رستم و سهراب آمده است: «تندباد اشاره به مرگ، و ترنج اشاره به سهراب است». باید یادآوری می‌کردند که «نارسیده ترنج» اشاره به سهراب دارد؛ چرا که شاعر با آوردن کلمه «نارسیده» بر جوانی سهراب تأکید می‌کند.

ص ۴۶: مؤلف برای آرایه حسن تخلص، دو بیت از عثمان مختاری مثال آورده است، که برای مخاطب مشخص نیست یک بیت یا هر دو بیت مراد است؛ زیرا دانشجو در دوره دبیرستان آموخته است که زیباترین حسن تخلص آن است که در یک بیت در کمال ایجاز سروده شده باشد (ر. ک: آرایه‌های ادبی سال سوم دبیرستان، ص ۱۶). برای رفع این ابهام، بهتر است این توضیح مختصر در ادامه مطلب اضافه گردد که:

«این بیت و بیت قبل، که قطعه القصیده را تشکیل می‌دهد، در اعمال صنعت بدیعی حسن تخلص در میان شعرای قدیم به خوبی معروف بوده و صاحب کتاب المعجم آن را از تخلصات نادر بلیغ شمرده است» (دیوان عثمان مختاری، ص ۹۱).

ص ۴۶: «از انواع روش تناسب، حشو ملیح است». دانشجو در کتب مختلف بدیعی با حشو ملیح و متوسط و قبیح روبه‌رو می‌شود؛ اما در کتاب بدیع پیام نور هیچ توضیحی درباره حشو متوسط نمی‌یابد و نمی‌داند فرق آنها چیست؟ مؤلف محترم بیت زیر را برای حشو ملیح مثال آورده، نوشته‌اند:

دی، که پایش شکسته باد، رفت

گل، که عمرش دراز باد، آمد

«با این جملات حشو، دی و گل انسان‌واره شده‌اند». باید بگوییم که اگر جملات حشو هم نبود، باز انسان‌وارگی وجود داشت. از سوی دیگر، آیا اشاره به انسان‌وارگی، که از فروع استعاره است، در توضیح حشو ملیح ضروری است؟ به نظر می‌رسد این امر جز آشفته‌گی ذهن دانشجو فایده‌ای ندارد. مثال دوم از حشو ملیح چنین است:



بت زنجیرموی از گفتن او

برآشفتم، ای خوشا آسفتن او

کاش در مثال دوم نیز جایگاه حشو ملیح دقیقاً مشخص می‌شد. ص ۴۸: همه خودآزمایی‌ها با یک حرف یا یک کلمه پاسخ داده شده‌اند؛ در حالی که گاهی تشریح پاسخ ضروری می‌نماید؛ برای مثال، بندی از شعر سهراب سپهری را با هم مرور می‌کنیم:

در کرانه هامون هنوز می‌شنوی

بدی تمام زمین را فراگرفت

هزار سال گذشت

صدای آب‌تنی کردنی به گوش نیامد

و عکس پیکر دوشیزه‌ای در آب نیفتاد

حال اگر بپرسیم بند مذکور برای کدام آرایه بدیعی مثال آمده است، فکر می‌کنید چند دانشجویمان بتوانند به این پرسش پاسخ دهند؟ و اگر بعد از مراجعه به آخر کتاب پاسخ را یافتند، چند درصد آنها می‌توانند تلمیح مورد نظر در شعر سهراب را توضیح دهند؟ مؤلف محترم خود در کتاب نگاهی به سپهری تلمیح مذکور را چنین توضیح می‌دهند:

«تلمیح است به اعتقاد زرتشتیان که در سه هزار سال آخرالزمان، در رأس هر هزار سال، دختر دوشیزه‌ای برای آب‌تنی کردن به دریاچه هامون در سیستان می‌رود و از نطفه زرتشت باردار می‌شود و به ترتیب، هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت به وجود می‌آیند. سوشیانت به طور کلی، موعود دینانت زرتشتی است...» (نگاهی به سپهری، ص ۱۶۹).

ب. ضبط نادرست برخی ابیات

گویا مؤلف محترم در ضبط برخی از ابیات به حافظه خود تکیه داشته و به متن اصلی مراجعه نکرده است:

شماره صفحه	غلط	درست
صص ۵ و ۷	نه باغبان و نه بستان، که سرو قامت تو	نه باغ ماند و نه بستان ...
صص ۵ و ۷	برست ولوله در باغ و بستان انداخت	برست و ولوله در ...
صص ۴۵ و ۶۸	به خاک اوفتد نارسیده‌ترینج	به خاک افکند نارسیده...
ص ۴۶	گر نیز گرد زلف تو ...	گر بیش گرد ...
ص ۴۶	از وصف آتش ...	از تاب آتش ...
ص ۴۶	نجدید مگر فتنه قامت مهوشان	نبیند مگر قامت مهوشان
ص ۵۱	دوش در حلقه ما صحبت گیسوی تو بود	دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود
ص ۶۲	چنان بردند صبر از من ...	چنان بردند صبر از دل ...
ص ۶۳	به زیورها بیاریند مردم خوبرویان را	به زیورها بیاریند وقتی خوبرویان را

ج. نکات ویرایشی

گاهی دیده می‌شود دانشجویی آرایه‌ای را درست تعریف می‌کند و بیتی را شاهد می‌آورد، اما نمی‌داند کدام واژه این بیت آن ویژگی

را داراست. بهتر است در سراسر کتاب، کلمه یا جمله مورد نظر که مثال برای آرایه خاصی است، با علامتی مشخص گردد. این امر در یادگیری و تشخیص صنایع بدیعی بسیار مؤثر است.

در صفحه ۷ کتاب، مؤلف بعد از توضیح آرایه موازنه می‌نویسند: «در ابیات زیر، سجع‌ها زیر هم نوشته و مشخص شده‌اند». در حالی که سجع‌ها زیر هم نوشته نشده و رابطه عمودی آنها نمایان نیست. در اهمیت رعایت نشانه‌های سجاوندی، بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند و در اینجا نیازی به تکرار آن نیست. رعایت این نشانه‌ها در درست‌خوانی و فهم صحیح مطلب نقش مهمی دارد و خواننده را از بدخوانی و بدفهمی برحذر می‌دارد. در این کتاب عبارات بسیاری را می‌توان یافت که علائم سجاوندی در آن رعایت نشده است. جا دارد کتاب از این لحاظ بازخوانی شود.

از دیگر نکات ویرایشی در این کتاب، توجه به نشانه‌های خطی یا حرکت‌گذاری برخی از کلمات است. جنبه آموزشی کتاب ایجاب می‌کند که بعضی از کلمات حرکت‌گذاری شوند. این مهم در بسیاری از موارد رعایت شده و در پاره‌ای از موارد از قلم افتاده است؛ مانند صص ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۵ و ۲۷ و ...

کوتاه سخن اینکه نگارنده به هنگام مطالعه کتاب بدیع چاپ پیام‌نور، پیوسته به کتاب نگاهی تازه به بدیع از همین مؤلف مراجعه داشت. کتاب مذکور درست یک سال بعد از کتاب بدیع پیام نور چاپ شده است. این کتاب از لحاظ محتوا تفاوت چندانی با کتاب بدیع دانشگاه ندارد؛ اگر از هدف‌های رفتاری و پاسخ خودآزمایی‌ها بگذریم، کتاب نگاهی تازه به بدیع به جهت تنوع مثال‌ها و تمرین‌ها، داشتن توضیحات در پاره‌ای از موارد و دور بودن از خطاها و لغزش‌های مطبعی، که به ندرت در آن دیده می‌شود، بر بدیع چاپ پیام‌نور ارجح است.

د. غلط‌های نگارشی

غلط‌های چاپی در این کتاب طبق روال معمول کتاب‌های پیام‌نور بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است؛ البته این موارد علاوه بر آن سیزده موردی است که در مقدمه کتاب ذکر شده است. وجود ۴۳ غلط چاپی در یک کتاب ۷۵ صفحه‌ای، جز کم‌لطفی مسئولان چاپ کتب درسی چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟

شماره صفحه	غلط	درست
ص ۹ مقدمه، س اول	هست	که هست
ص ۹ مقدمه، س ۴	می‌آورد	می‌آورند
ص ۴، س ۱۸	در هجا یا هجاهای	در هجا یا هجاهای
ص ۷، س ۳	طامت	طاعت
ص ۱۴، س ۶	زور	زود

ص ۱۸، س آخر	ساز	سازد
ص ۱۹، س اول	قریه	مرید
ص ۲۱، س ۸	ملامت	ملالت
ص ۲۱، س ۱۲	گیاه‌آسا	گیاه‌آسا
ص ۲۲، س ۸	زین دندان	ز بن دندان
ص ۲۳، س ۸	تکرر	تکرار
ص ۲۶، س آخر	فرودی	فزودی
ص ۲۷، س ۶	پرنان	پر نان
ص ۲۹، س اول	رفت	رأفت
ص ۳۷، س ۸	با ستاره	به ستاره
ص ۴۳، س ۱۳	دارد	دارند
ص ۴۵، س ۳	خو	خورند
ص ۴۵، س ۱۲	ستمکار	ستمکاره
ص ۴۷، س آخر	میل	سیل
ص ۴۸، س آخر	نه حسن را	تمام زمین را
ص ۴۹، س آخر	مردم چشم	مردم چشمم
ص ۵۰، س ۲۰	دایی	داعی
ص ۵۲، س ۱۶	نیست	نبست
ص ۵۶، س ۶	فولان	غولان
ص ۶۱، س ۱۴	گرد	گر
ص ۶۴، س ۷	باده	باد
ص ۶۵، س ۱۵	برخون	پر خون
ص ۶۵، س ۱۶	دل بماند	دلیم ماند
ص ۶۸، س ۵	ستمکار	ستمکاره
ص ۷۰، س ۷	نشناسد	نشناسند

پی‌نوشت

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور رشت.

کتابنامه

- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، ۱۳۶۲، دیوان. تصحیح پرویز ناتل خانلری. چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- سپهری، سهراب، ۱۳۷۶، هشت کتاب چاپ هجدهم، تهران: طهوری.
- سعدی شیرازی، ۱۳۶۷، دیوان غزلیات. به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر. چاپ دوم، تهران: سعدی.
- شمس قیس رازی، ۱۳۶۰، المعجم فی معانی اشعار العجم. تصحیح مرحوم مدرس رضوی. چاپ سوم، تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۴، بدیع. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات

دانشگاه پیام نور.

شمیسا، سیروس، ۱۳۶۸، نگاهی تازه به بدیع. چاپ اول، تهران: فردوسی.

شمیسا، سیروس، ۱۳۷۲، نگاهی به سهراب سپهری. چاپ سوم، تهران: مروارید.

فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵، شاهنامه به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ پنجم، تهران: قطره. جلد دوم.

مختاری، عثمان، ۱۳۸۲، دیوان اشعار. به اهتمام جلال‌الدین همایی. چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

نشریه ادبی

رشد آموزش زبان و ادب فارسی (۹۰)



فصلنامه آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی رشد آموزش زبان و ادب فارسی (شماره ۹۰، تابستان ۱۳۸۸) منتشر شد.

این فصلنامه با سردبیری دکتر محمدرضا سنگری، به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش منتشر می‌شود. در این شماره، پس از یادداشت سردبیر می‌خوانیم: زاویه دید در داستان / مریم معینی؛ بررسی کارگاهی غزلیات شمس / علی عبدی؛ مرگ سهراب / دارا احمدیانی؛ نیایش در کلام مولانا / علی گل محمدی؛ انواع موسیقی در شعر سپید / حبیب‌الله بخشوده؛ جایگاه جامه و پوشش در ادب فارسی / طاهره حق پرست؛ «اگر کوه آتش بود، بسپریم» (بحثی درباره بیتی از شاهنامه فردوسی) / شکرالله تقوی؛ نگاهی نو به آرایه تشخیص / سیروس اویسی؛ تفاوت قید و متمم / نادر مسلمی؛ نگاهی تحلیلی به «سینارتا»، اثر هرمان هسه / شهربانو حسین‌زاده بولاچی؛ از سیستان تا تروا (مقایسه‌ای بین رزمنامه رستم و اسفندیار و ایلیاد هومر) / مهدی قاسم‌زاده؛ آزادی و وطن در شعر بهار / محمدعلی افخمی خیرآبادی؛ ساختمان واژه / اسدالله حیرانی؛ اسطوره‌های ملی، قصه‌های اسلامی / هوشنگ اسکندری و مژگان اسکندری؛ ادبیات سیاسی مشروطه / مریم غفاری جاهد. در پایان نشریه، اشعاری از دبیران شاعر به چاپ رسیده است.